

علل تفاوت زن و مرد در سهم الارث

بتول مهرگان : عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی : دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

چکیده:

نبی اکرم (ص) فرمودند: «مااکرم النساء الاکریم و لا اها نهن الا لثیم» کرامت زن را پاس نمی دارد مگر کسی که خود بهره ای از کرامت برده باشد و به زنان جز انسان پست اهانت نمی کند.

خداوند عالم و آدم با آفرینش مزدوج موجودات ، زیبایی خاص به خلقت خویش بخشیده است . مزدوج بودن موجودات چندان که گفته شد نماد و نشانه کمال زیبایی و چکاد حکمت و اندیشه بوده، نه نقصان و کاستی و کمی . زن و مرد ، طرفین زوجیت هستند و زوجیت ، تبلور تعادل طرفین در معامله تزویج است . استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام ، مفهوم بالا را با عبارت تساوی زن و مرد بیان داشته است و تأکید می دارد که تساوی را با تشابه یکسان نپنداریم چرا که تشابه بامقتضای زوجیت هماهنگ نیست.

بسیاری از اوقات افرادی شبهاتی را مطرح می کنند مبنی بر اینکه چون مرد دو برابر زن ارث می برد پس ارزش مرد بیش از زنان است و در اسلام زنان از قدر و منزلتی کم نسبت به مردان برخوردارند.

در حالی که با توجه به مباحثی که در ابتدای متن مطرح گردیده است همچون خلقت زن و جایگاه حقوقی و اجتماعی او در قرآن و . . . و دلایل عقلی از نظر معصومین (ع) و متفکرین اسلامی به این نکته می رسیم که از عمده علل تفاوت ارث زن و مرد در اسلام نفقه زن و فرزند و هم چنین مهریه ای است که بر عهده مرد می باشد و غیره که بقیه موارد در داخل متن به آن اشاره گردیده است .

واژه های کلیدی : زن ، ارث ، تساوی

مقدمه:

درست در زمانی که دنیا در آتش جهل و ستم می سوخت و جوامع مختلف بشری گرفتار انحرافات متعددی بودند و جهل و نادانی و نکبت اخلاقی محیط تاریک سراسر جزیره العرب را فرا گرفته بود گروهی از فرط شهوت ، زن را معبود خود دانسته و جمعی از تفریط غفلت زن را به عنوان حیوانی پنداشته ، اما طلایع اسلام درخشندگی یافت و اسلام به دنیای بشریت اعلام داشت که ای گروه مردان ! به همان نسبت که شما انسانید و جزئی از پیکر جامعه انسانی محسوب می شوید زنان نیز چنین هستند و در این قسمت کوچکترین تبعیضی در میان نیست چنانکه در آیه ۱ از سوره حجرات اشاره شده است : « از دیدگاه اسلام ، زن دارای کرامت است و ارزش معنوی او بسیار والاست . بر این معنا آیات بسیاری از جمله آیه ۳۵ از سوره آل عمران ، آیه ۱۲۴ از سوره نساء و بسیاری از آیات دیگر دلالت دارد . از این رو زن مسلمان از کلیه مواهب اجتماعی زندگی

برخوردار بوده و می تواند در کلیه چهارچوب قوانین و موازین اسلام در تمام شئون اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی فعالیت نماید .

از دیدگاه اسلام زن و مرد دو صنف از یک نوع می باشند و به همین جهت در عین داشتن وحدت نوعی هر کدام از ویژگی های خاص خود برخوردار هستند .

« وظیفه مهمی که در زناشویی متوجه مرد است نفقه فرزند و همسر می باشد . اسلام ضعف و لطافت طبیعی زن و نیرومندی و قوت فطری مرد را مورد ملاحظه قرار داده ، به زن در عین اینکه به هیچ روی از حرمت او فروگذار نکرده به دیده رحمت و شفقت نگریسته ، و او را از مخارج زندگی معاف نموده و مرد را مکلف نموده است . و حتی مرد را مکلف نموده که اگر زن نخواهد بچه خود را شیر دهد برای نوزاد دایه بگیرد ، به اضافه مرد را به پرداخت مهریه زن هر وقت که مطالبه کند مکلف ساخته است » .^{۵۱۶}

۱- آفرینش زن

برابری زن و مرد در آفرینش

زن در آفرینش و در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است ، و هر دو جنس در جوهر و ماهیت یکسان و یگانه اند .
تمایز و فرقی در حقیقت و ماهیت زن و مرد نیست .
قرآن کریم به صراحت از این حقیقت پرده برمی دارد .

۱- « یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها »

« ای مردم تقوا پیشه کنید در برابر خدا ، آن که شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را پدید آورد » .^{۵۱۷}

۲- « هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها »

« اوست که همه شما را از یک تن آفرید ، و از آن یک تن زنش را بیافرید تا به او آرامش دهد » .^{۵۱۸}

۳- « و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها »

« و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار ایشان آرامش گیرد » .^{۵۱۹}

۵۱۶ . حقوق زن و مرد در اسلام و اروپا ص ۶۵ به بعد

۵۱۷ . نساء آیه ۱

۵۱۸ . اعراف ۱۸۹

۵۱۹ . روم آیه ۲۱

در قرآن کریم علاوه بر اینکه هیچ فرقی میان دختر و پسر قرار نمی دهد و آفرینش دختر را نعمت از طرف خداوند و هدیه ای از طرف او می داند مانند آفرینش پسر ، حتی قرآن جنس مونث را هدیه ای از آن خداوند می داند .

خلاصه اینکه اگر نفس واحده همه فطرت نباشد جزئی از آن خواهد بود و از همین ماده اولیه و خمیر مایه وجود ، خداوند مرد و زن را آفریده است . به هر حال آنچه مورد شک و تردید هیچیک از مسلمانان نیست این است که کلمات « انسان » و « بشر » « بنی آدم » « ناس » و « عباد » که در قرآن کریم به کار رفته است هم زن و هم مرد در را شامل می گردد نه اینکه تنها بر جنس مرد یا جنس زن دلالت کند .

همینطور خطاب های قرآن چون « یا ایها الذین امنو » یا موصولات عام و خاص که در مقام بیان حکمی از احکام یا ذکر واقعه یا خبر است مانند : من عمل صالحاً فلنفسه (هر کس کار شایسته ای کند بسوی خود اوست) و ... زن و مرد را یکسان در برمی گیرد و اختصاص به جنس خاص (مرد) ندارد .^{۵۲۰}

۲- جایگاه حقوقی و اجتماعی زن و مرد

قرآن درباره عظمت حقوقی و اجتماعی زن می فرماید : ای اهل ایمان ! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث گیرید و بر زنان سخت گیری و بهانه جویی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده اید ، به جور بگیریید ، مگر عمل زشت و ناشایستی از آنها آشکار شود و با آنها در زندگانی باانصاف و خوش رفتار باشید و چنانچه دلپسند شما نباشند اظهار کراهت مکنید ، بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خداوند در آن خیر بسیاری قرار داده است . معاشرت در (عاشروهن بالمعروف) که در سوره نساء آیه ۱۹ آمده است .

گرچه مربوط به امور خانوادگی است اما اختصاص به آن ندارد ، زیرا ملاک آن در مسایل اجتماعی نیز وجود دارد . گاهی مردان به خاطر تعصب جاهلی یا رواج فرهنگ نادرست و ... خوش نمی دارند که زنان در عرصه اجتماع فعالیت داشته باشند . لیکن باید این امر را تحمل نمایند . شاید خیر فراوانی در این کار باشد .

و معروف ، هر چیزی است که نزد عقل و پیش وحی و صاحب شریعت به رسمیت شناخته شده است و غیر آن منکر و ناشناخته است .

سپس می فرماید : اگر نمی پسندید که زن ها از حیات اجتماعی صحیح و سالمی برخوردار گردند ، بدانید که این کراهتتان نارواست .^{۵۲۱}

برابری زن و مرد در شأن و مقام

گاهی با توجه به بعضی از آیات این شبهه مطرح می گردد که مردان بر زنان برتری دارند . مانند : ۱- قوام بودن مردان نسبت به زنان یا ۲- تقدم آفرینش حضرت آدم نسبت به آفرینش همسرش .

۵۲۰. نظریه جدید درباره برابری زن و مرد در قصاص . ص ۳۰ به بعد

۵۲۱. زن در آینه جلال و جمال ص ۲۸۵ به بعد

که قوام بودن مردان نسبت به زنان در واقع به معنای پاسداری و حفاظت مردانه از زن است و این نکته مربوط به رابطه زن و شوهر در کانون خانواده است نه هر زن و مردی وانگهی این قوام بودن نیز نشانه تقرب و کمال به سوی خداوند نیست، قوام بودن مربوط به کار اجرایی است. چنانکه سوره نساء آیه ۳۴ چنین می فرماید... قوامون علی النساء... توانایی مرد در مسائل اجتماعی و شم اقتصادی و تلاش او برای تحصیل مال و تأمین نیازهای منزل و اداره زندگی بیشتر است و چون مرد مسئول تأمین هزینه زندگی است، سرپرستی داخل منزل هم با اوست و این سرپرستی مزیتی و فضیلتی برای مرد نیست قرآن کریم نمی گوید که زن در فرمان مرد است، بلکه می گوید: مرد وظیفه سرپرستی زن و منزل را به عهده دارد.^{۵۲۲}

خداوند می فرمایند که «و لقد کرّمنا بنی آدم... و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم... و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود فضیلت کامل بخشیدیم.^{۵۲۳}

و در این آیه خداوند متعال تمام فرزندان آدم (ع) اعم از زن و مرد را بر بسیاری از مخلوقات خود شرافت و برتری بخشیده.

نکته دوم اینکه در جایی دیگر از تقدم آفرینش حضرت آدم بر همسرش صحبت کرده است که این خود موجب شبهه شده است چرا که تقدم در خلقت موجب برتری نمی باشد. مثلاً در قرآن کریم آمده است که خلقت جنیان مقدم بر انسان است و خلقت حضرت آدم بر همسرش تقدم دارد. این تقدم ارزش برتری را نمی رساند، بلکه حاکی از سیر طبیعی پدیده هستی است.

ملاک برتری زن و مرد

با توجه به آیه ۱۳ از سوره حجرات... ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر. در این آیه شریفه ملاک و معیار برتری انسان ها فقط به تقواست، هر چه انسان با تقواتر و با معنویت تر باشد نزد خدا عزیزتر است.

و ما اگر تفاوت هایی را در میان زن و مرد در مسائل حقوقی مشاهده می کنیم این بدان معنا نیست که خداوند خواسته است با این امورات مرد را نسبت به زن برتر بداند. بلکه این امور تعیین کننده مناسبات و شرایط اجتماعی زن و مرد است و اگر قرار بود بنا به ارزش ها، دیه یا میراث جنس مذکر را بنا می کردند پس در این صورت باید ارث و دیه مردان هم با یکدیگر فرق می کرد. زیرا یک مرد مؤمن، متقی، دانشمند، با یک مرد جاهل و کم خرد ارزش یکسان ندارند. در حالی که اسلام چنین تفاوتی در میان مردان قائل نیست.^{۵۲۴}

۵۲۲. زن آئینه جلال و جمال ص ۲۲۵ به بعد

۵۲۳. اسراء ۷۰

۵۲۴ نظریه جدید درباره برابری زن و مرد در قصاص ص ۳۸ به بعد

زن و حقوق استقلال اقتصادی

در خصوص مسائل اقتصادی قرآن کریم همانند سایر مسایل برای زن استقلال قائل شده است چنانکه در سوره نساء آیه ۵ به این موضوع اشاره شده است .

للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء مما اكتسبن

هر کس از زن و مرد را از کار و کسبی که دارند نصیبی است .

هم چنین با توجه به قاعده (الناس مسلطون علی اموالهم)^{۵۲۵}

از این موارد به دست می آید که چگونه اسلام به استقلال اقتصادی زن احترام گذارده و تفاوتی میان آنان نگذاشته است و با توجه به این آیه انواع ارتباطات مالی را برای زنان بلامانع دانسته و آنان را مالک سرمایه خویش قرار داده .

فلسفه تفاوت ارث میان زن و مرد

عده زیادی از افراد فکر می کنند که همیشه ارث زنان نصف مردان است اما ما در مسائل فقه و حقوقی برخی از موارد را داریم که ارث زن گاهی مساوی با مرد و گاهی بیشتر از مردان می گردد که لازم به ذکر است :

الف : در مواردی که ارث زن مساوی مردان است .

۱- اگر وارث میت ، جد (پدربزرگ) یا جده (مادربزرگ) مادری باشد ، ارث را به طور مساوی میان خودشان تقسیم می کنند .

۲- اگر وارث میت برادرزاده و خواهرزاده مادری باشد مال بطور مساوی میانشان تقسیم می گردد .

۳- اگر وارث میت فقط پدر ، مادر و یک پسر باشد ، مال به شش سهم تقسیم می شود ، چهار سهم مال پسر و هر یک از پدر و مادر به طور مساوی یک سهم می برند .

۴- اگر وارث میت هم دایی و هم خاله باشد و همه آنها پدری و مادری و یا پدری ، و یا مادری ، باشند مال به طور مساوی میانشان تقسیم می گردد .

۵- اگر میت چند برادر و خواهر مادری داشته باشد مال به صورت مساوی میانشان تقسیم می گردد .

ب : در مواردی نیز ارثیه زنان از مردان بیشتر است و آنها عبارتند از :

۱- اگر وارث میت دو دختر و پدر و مادر و شوهر باشد ، ترکه به بیست و چهار سهم تقسیم می شود . شش سهم به شوهر ، چهار سهم به پدر و چهار سهم به مادر و به هر کدام از دختران ۵ سهم می رسد ، در این محاسبه سهم یک زن (دختر) یک بیست و چهارم از سهم مرد (پدر) زیادتر است .

- ۲- هنگامی که از وارث درجه یک میت، یک دختر، پدر و همسر باشد، ترکه به سی و دو سهم تقسیم می گردد، چهار سهم به زن، هفت سهم به پدر و ۲۱ سهم به دختر می رسد که در این فرض زن (دختر) سه برابر سهم مرد (پدر) ارث می برد.
- ۳- اگر میت فرزند نداشته باشد، فقط پدر و مادر و شوهر باشند، ترکه به ۱۲ سهم تقسیم می گردد، شش سهم به شوهر، ۴ سهم به مادر و دو سهم به پدر می رسد در این تقسیم سهم زن (مادر) دو برابر سهم مرد (پدر) می باشد.
- ۴- اگر وارث میت دو دختر و پدر و مادر باشد، ترکه به ۴۰ سهم تقسیم می گردد، ۵ سهم به زوجه، ۷ سهم به پدر، و به هر کدام از دختران ۱۴ سهم که در این فرض سهم زن (دختر) دو برابر سهم مرد (پدر) است.
- ۵- در تقسیم ترکه میان یک دختر و ابویین و زوجه میت، ترکه به ۴۰ سهم تقسیم می گردد، ۵ سهم به همسر، ۷ سهم به مادر، ۷ سهم به پدر میت و ۲۱ سهم به دختر که سهم زن (دختر) سه برابر سهم مرد (پدر) می باشد.
- ۶- در تقسیم ترکه میان یک دختر و پدر و مادر و شوهر میت، ترکه به ۱۲ سهم و ۵ سهم باقی مانده به دختر می رسد.
- ۷- در تقسیم ترکه میان دو دختر و پدر تنها، ترکه به پنج سهم تقسیم ۱ سهم به پدر، به هر کدام از دختران دو سهم داده می شود.
- ۸- در تقسیم ترکه میان ۱ دختر و پدر و مادر، در اینجا سهم را به ۵ قسمت تقسیم می کنیم به دختر سه سهم و به پدر و مادر هر کدام یک سهم داده می شود.
- ۹- در تقسیم ترکه میان ۱ دختر و پدر، ترکه به چهار قسم تقسیم می گردد به زن (دختر) سه سهم و به مرد (پدر) یک سهم تعلق می گیرد.^{۵۲۶}
- ۱۰- در تقسیم ترکه میان دو دختر با پدر و مادر، ترکه به شش سهم تقسیم می گردد. هر کدام از پدر و مادر یک سهم و به دختران هر کدام دو سهم داده می شود.

دلایل عقلی تفاوت ارث زن و مرد

دلایل عقلی از منظر معصومین

مهم ترین و پربارترین دلایل عقلی ائمه اطهار (علیه السلام) در پاسخ به اینگونه شبهات بیان فرموده اند که به دو روایت بسنده می کنیم.

روایت اول محمد بن سنان از ابی الحسن امام رضا (ع) مسایلی پرسید که از آن جمله علت دو برابر بودن ارث مرد می باشد حضرت جواب داد: چون زنان وقتی شوهر نمایند نفقه می گیرند و مردان نفقه آنها را می دهند و دیگر آنکه نفقه زنان نیازمند، مانند مادر و خواهر نیز بر مرد فرض است اما اگر مرد محتاج باشد بر زن فرض نیست. به خاطر همین مخارج واجب، سهم مرد بیشتر منظور گردید و این معنی آیه کریمه است که می فرماید: قوامت زنان به عهده مردان است به

^{۵۲۶}. تخلص از کتاب (تفاوت حقوقی زن و مرد در نظام حقوقی ایران ص ۱۲ به بعد)

خاطر آنکه خداوند برخی را بر برخی تفضیل داد و به خاطر آنکه مردان به زنان از اموال خود نفقه می دهند .

روایت دوم: امام رضا (ع) در پاسخ کسی که سؤال کرده بود چرا ارث زن نصف ارث مرد است؟ امام (ع) می فرماید: « زیرا زن وقتی که شوهر کرد مالش را به (عنوان مهر) می گیرد. ولی مرد مالی می پردازد به این خاطر ارث مرد بیشتر است» و علت دیگری که باعث شده حق مرد دو برابر حق زن باشد آن است که هزینه زندگی زن به عهده مرد است و مرد باید نفقه و سایر مخارج زن را بدهد ولی بر عهده زن چیزی نیست از این جهت حق مرد بیشتر است. اگر چه موارد مذکور، دلایل نقلی محسوب می شوند ولی در حقیقت همان دلایل عقلی است که از جانب معصومین (ع) در تنویر و تبیین حکمت احکام الهی استدلال شده است. بنابراین در روایات اسلامی نیز به علت تفاوت ارث زن و مرد اشاره شده است.^{۵۲۷}

دلایل عقلی از نظر متفکرین اسلامی

هر چند اختلاف در ارث به معنی تبعیض در آن نبوده بلکه حصه ای است که شارع مقدس برای هر یک از آن دو تعیین کرده و نیز اگر چه در مورد برخی مبانی ارث، در قانون مدنی بحث و نظر وجود دارد ولیکن:

اولاً: دو برابر بودن سهم مرد در ارث یک قاعده کلی و عمومی نیست، زیرا نه تنها در برخی موارد زنان برابر مردان ارث می برند. (مانند پدر و مادر میت در صورتی که میت فرزند داشته باشد هر کدام به تساوی ارث می برند) و گاهی با تفاوت بیش از مردان از ارث بهره مند می گردند. (مانند موضوع ماده ۹۰۸ قانون مدنی که دختر نصف ما ترک را می برد و والدین یک ششم ما ترک را می برند.)

ثانیاً: این اختلاف در تسهیم و تخصیص، هرگز جنبه ارزشی ندارد زیرا جوهره و کمال انسان به میزان برخورداری ارث بستگی ندارد. پس تفاوت مزبور در ارزش انسانی او اثر ندارد.

ثالثاً: معنای این تقسیم و تسهیم لزوم رعایت تناسب و تعادل حقوق هر کس با وظایف اوست که بر پایه حاجت بنا شده است، و چنین مقرری اگر چه بین دو انسان متفاوت می باشد ولیکن مطابق با مسئولیت هر یک از آنان می باشد و دقت در این مسئولیت و تکلیفی که بر دوشش می باشد سهم تعیین شده است و در موضوع ارث نیز برای مرد تکالیف عدیده مالی بر عهده اش می باشد و سهم او دو برابر زن می باشد. در حالی که زن هیچ تعهد مالی ندارد و تقسیم سهم الارث بر مبنای تکالیف و هزینه هایی که هر یک از آن دو بر عهده دارند امری معقول و منطقی است. و اگر کمی دقت شود متوجه می شویم که زن عملاً سهم و بهره بیشتری از مرد می برد. چرا که اولاً زن در عین حال که از مزیت اقتصادی مهریه و نفقه برخوردار است هیچ گونه تعهد مالی در برابر اعضای خانواده و اجتماع ندارد و تکلیفی جز تمکین و فرمان برداری بر عهده اش نیست.

اما مرد علاوه بر آن وظایفی که بر عهده دارد که بر اساس آن موظف است نیمی از درآمد خود را خرج زنان کند و در واقع ملزم به پرداخت مهریه و نفقه و سایر مخارج زندگی اعم از خوراک ، مسکن و ... می باشد و تهیه لوازم زندگی بر اساس شأن زن و در کنار آن هزینه زندگی فرزندان نیز بر عهده اوست . و حتی در صورت درخواست زن ، موظف به پرداخت اجرت شیردهی ، حضانت ، انجام کارهای خانه و امثال آن نیز هست . پس یک زن می تواند تمام ارث خود را پس انداز کند ، در حالی که مرد باید آن را برای خود و همسر و فرزندان خرج کند . چنانکه در برخی موارد مثل قتل خطایی و عاقله پرداخت دیه مقتول منحصرأ بر عهده مرد می باشد و زن هیچ گونه مسئولیتی ندارد .

رابعاً: دو برابر بودن سهم الارث مرد یکی از راههای عملی است که او بتواند وظایف مادی و اقتصادی اش را بهتر انجام دهد . چون غالباً مردان بیش از زنان قادرند که از سرمایه خویش در گردش اقتصادی جامعه استفاده کنند و زنان سعی دارند که پس انداز خود را در محل امنی نگه داری نمایند و از خطرات اقتصادی محتمل جلوگیری می کنند .

خامساً: قوانین مترقی و اقتصادی روز می کوشد تا اصل « هر کس به قدر نیازمندی و حاجت » را برای برقراری تعادل ثروت و مالکیت و خاتمه دادن به رنج تهیدستان و اختلافات طبقاتی حاکم کند و اسلام به علت آنکه مخارج افزونتری (از قبیل نفقه زن و فرزند ، مهر و صدق زن ، مخارج سایر نزدیکان تهیدست چون مادر و خواهر ، پرداخت دیه قتل خطایی و عاقله) را بر عهده مرد نهاده ، و ارث بری مرد را طبق نیازمندی افزونتر ساخته تا تعادلی میان درآمد و نفقات واجب او برقرار گردد و ارث زن نوعی پس انداز و تأمین آینده زندگی اوست که در صورت طلاق یا فوت همسر از آن بهره مند شود و مرد هیچ گونه تصرفی در اموال او ندارد . و بدین ترتیب مردان همیشه کفیل مخارج زن و فرزند هستند و بدین خاطر سهم آنان دو برابر سهم زنان است .

سادساً: خداوند متعال در آیه شریفه ۱۱ از سوره نساء در باب ارث می فرماید : « (این) فرضی است از جانب خداوند ، زیرا خداوند دانای حکیم است » .

به راستی خداوند علیم و حکیم است . خداوند متعال به برداشت های ناصواب بندگان دانا است به همین دلیل می فرماید خدای شما به این نوع تقسیم که تو (ای انسان) آن را تبعیض آمیز تلقی می کنی ، آگاه است ولی در آن حکمتی برای بندگان نهفته است .

سابعاً- و اگر خارج از حال و هوای این دنیای ابدی و زندگی نیز بیاندیشیم و روز معاد را در نظر بگیریم ، بیشتر بودن سهم مرد در این دنیا ضرر آخرتی برای مرد دارد ، چرا که زن از مکنت و ثروت مرد به اندازه کافی بلکه بیش از مرد بهره مند می گردد ولی در روز قیامت هیچ گونه مسئولیتی ندارد ولی مرد نه تنها در برابر انتفاع خود مسئولیت دارد در برابر انتفاع دیگران از جمله همسر و فرزندان نیز مسئولیت اخروی دارد .^{۵۲۸}

همچنین قابل ذکر است که در صورتی که مصلحت اقتضا کند یا شخص خود تمایل داشته باشد که بازماندگانش به یک اندازه از اموال او بهره مند می توانند از حق وصیت خود برای تسهیم سهام و برابری آن استفاده کنند .

و شاید این شبهه مطرح گردد که قوانین ارث به اقتضای شرایط زمانی و مکانی صدر اسلام تنظیم شده است که امروزه دگرگون شده و لازم نیست که آن احکام حالت جاودانه داشته باشد ، زیرا با دگرگون شدن شرایط حکم نیز دگرگون می شود در پاسخ به این افراد باید گفت که آیات ارث از آیات محکومات قرآن است و احکام آن زمان بردار نیست و هیچ گونه مقید نشده اند .

نتیجه :

در نهایت می توان سه راه حل کلی را در مسیر اصلاح مقررات ارث در کشور ما وجود دارد .
۱- آن قسمت از احکام ارث که دارای نص قرآنی یا نص روایی است و به اعتبار حکمت الهی بنا شده باید حکمتهای آنها بازشناسی و آشکار گردد تا اذهان روشن گردد چرا فقها و مفسران قرآن و غیره قادر به تغییر آن نیستند و جنبه تعبدی آن غلبه دارد و نسبت به این احکام باید یک نگاه تعبدی داشت . و ابهام ناشی از این است که هنوز اسرار الهی برایمان آشکار نگردیده است .
۲- و قسمتی دیگر از احکام ارث مربوط به استنباط و برداشت فقها و دانشمندان اسلامی است نیازمند بررسی و تأمل می باشد و فقه و ... در جهت پویایی فقها شیعه و نزدیک کردن حقوق زن و مرد به همدیگر و به روز کردن آن تلاش کنند .

۳- و آن قسمت از احکام ارث که به طور سنتی به قوانین اسلامی وارد شده و به عنوان احکام اسلامی از آن یاد می شود در صورتی که تغییر آنها مغایرتی با شرع نداشته باشد نیازمند تحول است .

مقررات ارث بر پایه عدالت اجتماعی قانون گذاری شده است و سهم آنان که هیچ مسئولیت مالی بر دوش ندارد کاملاً منصفانه برقرار شده است . چرا که لازمه عدالت ، تساوی و تعادل حق تکلیف است بنابراین اگر مرد در مواردی از حقوق بیشتری برخوردار است در برابر تکالیف سنگینی است که بر دوش او گذارده شده است .^{۵۲۹}

در ضمن تأمین هزینه جهاد و دفاع به عهده مرد است نه زن ، و زن از شرکت در نبرد معاف است و بسیاری از هزینه های اقتصادی دیگر نیز بر دوش او نیست تا آنجا که کفاره (جریمه انجام ندادن عبادات) او نیز بر عهده شوهرش می باشد . مهریه را او خود مالک می شود نه پدر یا برادر و
.....^{۵۳۰}

۵۲۹. تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران ص ۱۱۴ به بعد

۵۳۰. کتاب نقد و بازشناسی قرآن از عباسعلی براتی به نقل از کتاب علل الشرایع و اعلام الوری ، فصل امام عسکری (

چون مهر و نفقه امری لازم برای استحکام زناشویی و تأمین آسایش خانوادگی است لذا از بودجه زندگی زن یا از همان ارث زن کاسته شده است و تحمیلی از این نظر بر مرد شده است. اسلام می خواهد این تحمیل را از طریق ارث جبران کند.^{۵۳۱}

و این وضع را مقایسه کنید با وضع زن در جاهلیت که زن و آنچه در اختیار داشت جزء دارایی شوهر به حساب می آمد، چنانکه آنها دختران خود را با سه شتر و گاه با یک شتر معاوضه می کردند.^{۵۳۲}

اما این مسئله مربوط به ۱۴ قرن پیش است اما در سده اخیر از نظر حقوق سیاسی و اجتماعی نیز باید گفت تا سال ۱۸۵۰ در انگلیس زنان از اتباع کشور محسوب نمی شدند و به فرمان هانری هشتم از مطالعه کتاب مقدس نیز محروم بودند.^{۵۳۳}

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- حقوق زن در اسلام و اروپا. حسن صدر، چاپ موسوی، سازمان کتاب های پرستو، فروردین ۱۳۸۴
- ۳- نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی سال ۱۳۵۳
- ۴- تفاوت حقوقی زن و مرد در نظام حقوقی ایران (مبانی و مصادیق) دکتر علی کاظم زاده نشر میزان سال ۱۳۸۲
- ۵- نظریه جدید درباره برابری زن و مرد در قصاص، عباسعلی محمودی انتشارات بعثت، ۱۳۶۵
- ۶- زن در آینه جلال و جمال از آیت الله جوادی آملی، قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۳
- ۷- تفسیر نمونه، ج ۲
- ۸- کتاب نقد بازشناسی قرآن از عباسعلی براتی مؤسسه فرهنگی سیدالشهداء علیه السلام قم ۱۳۶۹
- ۹- حقوق زن در اسلام و جهان، یحیی نوری
- ۱۰- وسایل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، تهران ۱۳۷۶ ه. ق
- ۱۱- حقوق زن، حمید کریمی، ناشر اندیشه کانون جوان، ۱۳۸۳ ه. ش

^{۵۳۱}. حقوق زن ص ۵۰ به بعد

^{۵۳۲}. حقوق زن در اسلام و جهان ص ۱۸ به بعد

^{۵۳۳}. سیمای تمدن غرب ص ۲۹۱ به بعد